



سه شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۳ | ۱۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان | دوره سوم | سال سوم | شماره ۴۷۹
www.hammihaonline.ir



دولت برنامه‌ای برای کنترل ارز ندارد

گفت‌وگو با نمایندگان مجلس درباره مصاحبه اخیر **محمد رضا فرزین** رئیس کل بانک مرکزی



باز نشستگی سو با سا

درباره کارتون فوتبالیست‌ها که پس از ۴۳ سال پخش آن در ژاپن پایان یافت



نظارت در حال متلاشی کردن

سامان هنراست

گفت‌وگو با **بهروز غریب‌پور**



محوطه‌های تاریخی زیر آب

بررسی آخرین وضعیت **مرسین چال** بزرگترین گورستان دوره تاریخی ایران

بررسی لیست اعلامی بانک مرکزی نشان می‌دهد ۹ بانک و مؤسسه - سه اعتباری ۱۵۱ هزار میلیارد تومان به خودشان وام داده‌اند



بانک‌ها بزرگترین ابربدهکار بانکی

۵۸۱ میلیارد تومان

حسین هدایتی دولابی یکی از چهره‌های شاخص پرونده بانک سرمایه ۲ هزار و ۸۷۹ میلیارد تومان تسهیلات دریافت کرده که ۵۸۱ میلیارد تومان آن هنوز باقی مانده است.

۲,۴۳۳ میلیارد تومان

جای دیش مجموعاً ۲ هزار و ۴۳۳ میلیارد تومان بدهی دارد که از این رقم از بانک کارآفرین ۲ هزار و ۱۳۹ میلیارد تومان، از بانک خاورمیانه ۱۶۴ میلیارد تومان و از بانک ایران زمین ۱۳۰ میلیارد تومان تسهیلات دریافت کرده‌اند.

بین بانک‌هایی که در لیست اخیر بانک مرکزی آورده شده، بانک آینده بزرگترین ابربدهکار بانکی است که میزان بدهی زیرمجموعه‌های این بانک به خودش ۸۷ هزار و ۴۴۸ میلیارد تومان اعلام شده است و در بین زیرمجموعه‌ها، ایران مال ۵۵ هزار میلیارد تومان وامی که از بانک آینده گرفته، بدهکارترین مجموعه به نظام بانکی محسوب می‌شود. از روزی که احمدی نژاد تهدید می‌کرد نام دانه‌درشت‌ها را از جیب کت خود بیرون می‌آورد، بیش از یک دهه گذشته است.



فرزانه طهرانی
دبیر گروه اقتصاد

بانک‌های کشور که وام دادن به خودشان را بیشتر در سابقه داشتند حالا تبدیل به ابربدهکار بانکی شده‌اند و در بین بدهکاران، بیشترین معوقات را از آن خود کرده‌اند. براساس آخرین لیست منتشرشده در بانک مرکزی، ۹ بانک کشور ۱۵۱ هزار و ۲۱۰ میلیارد تومان به زیرمجموعه‌های متعلق به خود تسهیلات پرداخت کرده‌اند. این عدد تنها از بین ۱۲ بانک و مؤسسه اعتباری که اطلاعاتشان منتشر شده استخراج شده و اطلاعات ۲۳ بانک و مؤسسه اعتباری دیگر در دسترس نیست.

۵۵,۲۲۹ میلیارد تومان

۵۵ هزار و ۲۹۹ میلیارد تومان آخرین رقم بدهی معوق شده ایران مال به بانک آینده است. ایران مال به تنهایی ۶۳ درصد از تسهیلاتی که بانک آینده به زیرمجموعه‌های خود پرداخت کرده از آن خود کرده است.

۸۷,۶۹۵ میلیارد تومان

بانک آینده ۸۷ هزار و ۶۹۵ میلیارد تومان به زیرمجموعه‌های خود تسهیلات پرداخت کرده که از این میزان ۸۷ هزار و ۴۴۸ میلیارد تومان معوق شده است.



اسباب و لوازم اصلاح دستگاه قضا

در حاشیه دیدار رئیس قوه قضائیه با مدیران مطبوعات



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم‌میهن

وقتی مسئولی نکته‌ای را چه در جهت درست و چه در جهت نادرست تکرار می‌کند، قاعدتاً باید آن نکته را دغدغه واقعی او دانست مگر آنکه در طول زمان اقدام قاطعی در آن جهت به انجام نرسد. غلامحسین محسنی‌آزادی از زمانی که ریاست دستگاه قضا را به دست گرفته، به طور مرتب از لزوم نقد عملکرد این دستگاه و تلاش برای رفع مشکلات و کاستی‌های آن سخن گفته است. آقای آزادی در همین زمینه، دیدارهایی نیز با مجامع صنفی و شغلی داشته که آخرین آن، دیدار با مدیران مسئول رسانه‌های دارای مجوز در کشور بود. رسانه‌های داخل کشور به لحاظ سیاسی و فکری، همسو و هم‌جهت نیستند و بنابراین مسئولان آنها نیز نظر واحدی در مورد مشکلات فراروی کشور و راه‌های حل آن مشکلات ندارند. در واقع این اختلاف جهت‌ها خود را در نشست‌های اصطلاحاً «هم‌اندیشی» به روشنی نشان می‌دهد همانطور که در جلسه هم‌اندیشی رئیس قوه قضائیه با «اصحاب رسانه» خود را نشان داد. برای نمونه، یک مدیر مسئول، برخورد با نوع پوشش بانوان را مورد انتقاد قرار می‌دهد و آن دیگری، برخورد دستگاه قضا در این مورد را سهل‌انگاره می‌نامد و خواستار شدت عمل در این زمینه می‌شود. یک مدیر مسئول، شکایتش از محدودیت‌های پیش روی اهل رسانه و سخت‌گیری نسبت به آنان است و آن دیگری، با متهم کردن رسانه‌های منتقد به همسویی با دشمن خواستار قلع و قمع آنان می‌شود. واضح است که از توصیه‌های متناقض، قدر مشترکی حاصل نمی‌شود و اصل «هم‌اندیشی» با قدری رد و بدل کردن تعارفات خاص ایرانی، بدون نتیجه می‌ماند. طبیعتاً اگر قرار به اصلاح امور در یک کشور باشد، ابتدا باید کار از قوه قضائیه آغاز شود. با توجه به ماهیت کار قضا و موقعیت قانونی قضات، واقعیت این است که دست رئیس قوه برای عزل و تغییر قضات، عملاً بسته است و اگر مشکل به نوع فهم و سلوک قشر بزرگی از این افراد بازگردد، از رئیس قوه عملاً جز اندرز و ارشاد لفظی آنان، کاری بر نمی‌آید. شاید به همین علت است که در تمام این ۴۵ سال اخیر، هر فردی که به ریاست دستگاه قضایی منصوب شده است ابتدا به ناکامی‌ها و ناپسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و اقدامات مخرب در درون قوه اذعان کرده و سپس با توپ پر برای مقابله با آنها خود را مصمم نشان داده است. با گذشت زمان اما نه فقط اصلاح ملموسی از جانب آنان صورت نگرفته بلکه پس از سپری شدن دوران مسئولیت‌شان، دست از پا درازتر می‌ز و صندلی خود را ترک کرده‌اند! به همین دلیل، اصلاح و تحول در قوه قضائیه، با اتکاء به امکانات خود این قوه و در چارچوب قوانین و مقررات فعلی، امکان‌پذیر نیست و ره به جایی نمی‌برد. اگر آقای آزادی پس از حدود سه سال مسئولیت در مقام رئیس قوه قضائیه به این موضوع واقف شده باشد، قاعدتاً باید نوع فعالیت خود را برای ایجاد تحول در دستگاه قضایی تغییر دهد و اگر هنوز به این امر واقف نشده باشد، در آن صورت سخن از لزوم آسیب‌شناسی دستگاه قضا و نقد آن در حد حرف باقی می‌ماند و در حوزه عمل وضع روزه‌روز دشوارتر می‌شود. در حقیقت، اصلاح دستگاه قضا مستلزم وجود اراده‌ای در سطح کلان کشور برای «بازسازی» نهاد دولت به‌عنوان مجموعه قوا و نیروهای دخیل در حکمرانی است.



شفافیت تجزیه‌ناپذیر

فرض کنیم اعلام شود که فلان فرد یکی از ابربدهکاران بانکی است. خوب! این مسئله یک گام به سوی شفافیت است؛ ولی چه فایده‌ای دارد؟ در واقع، پرسش این است که چرا بیشتر سیاهه بدهکاران بانکی اعلام نمی‌شود؟ اگر اعلام بدهکار بودن یک نفر به نظام بانکی هیچ مابه‌ازا و نتیجه‌ای عملی نداشته باشد، چه اهمیتی دارد؟ آیا چنین اعلامی موجب بازگرداندن بدهی‌های وی به بانک می‌شود؟ آیا دلایل و علل پرداخت وام به فرد بدهکار نیز اعلام می‌شود؟ آیا معلوم می‌شود که چرا نپرداخته است؟ آیا در تراز بانکی کشور اثری می‌گذارد؟ و حتی آیا دیگر به او وام نمی‌دهند؟ حالا که معلوم شده بانک‌ها به زیرمجموعه‌های خود وام می‌دهند یا پول‌های مردم را در نگاهداری صرف می‌کنند آیا اقدامی صورت خواهند داد؟ اگر شفافیت منجر به نتیجه‌ای عملی نشود، فایده چندانی ندارد. مطالبه اصلی مردم این نیست که لیست ابربدهکاران اعلام و تمام شود. پرسش این است که آنان چرا و طی چه سازوکاری وام گرفته‌اند؟ و شرایط وام دادن به آنان چگونه بوده که می‌توانند وام خود را پس ندهند و همچنان ابربدهکار محسوب شوند؟ چرا ضوابط اعطای وام به آنها رعایت نشده؟ چه کسانی پشت این پرداخت‌ها قرار دارند؟ چه تعلقاتی در پرداخت این وام‌ها و به وسیله چه کسانی رخ داده است؟ دولت برای اصلاح این روند زبان‌بار چه اقداماتی کرده است؟ در واقع، شفافیت فقط گام اول است. اتفاقاً اگر اقدامات بعدی انجام نشود، بر افکار عمومی نیز اثرات منفی می‌گذارد. نمونه روشن آن ماجرای مدرسه علمیه آقای صدیقی است که از سوی آقای یاشار سلطانی مدارک آن منتشر گردید، هر چند ابتدا با توجهات عجیب و غریب سعی در نفی ماهیت این اقدام کردند، ولی پاسخ‌های بعدی و اسناد رسمی نشان داد که هم نفی اولیه نادرست بوده و هم اینکه تخلف محرز است. تا اینجا خوب بود، ولی هنگامی که این پرونده مورد پیگرد قضایی قرار نمی‌گیرد، آثار منفی آن آغاز می‌شود و به‌طور طبیعی امید مردم را به وجود عدالت و رسیدگی عادلانه ضایع می‌کند. از سوی دیگر، نظام‌های طرفدار شفافیت در همه زمینه‌ها شفاف عمل می‌کنند و شفافیت را نمی‌توان گزینشی انجام داد. اگر از مردم بپرسید که میان شفافیت ابربدهکاران بانکی و فساد جای دیش و نهاددهای دامی کدامیک در اولویت هستند، به‌طور قطع مردم این فسادها را ذکر می‌کنند که به احتمال فراوان فسادهای دیگری نیز در کنار آنها هست. سازوکار ابربدهکار شدن تا حدی روشن است گرچه حامیان این بدهکاران هنوز مشمول شفافیت نشده‌اند، ولی فساد ۳۷ میلیارد دلاری همچنان در پرده‌ای از ابهام است. دولتی که از تأمین چند ده میلیون دلار برای خرید شیر خشک کودکان ناتوان است، درحالی‌که شعار فرزندآوری آن گوش فلک را کر می‌کند، چگونه و طی چه سازوکار اداری ۳۷ میلیارد دلار را به یک نفر داده است؟ همچنان حتی یک خط گزارش رسمی درباره این سازوکار پرداخت و نیروهای مرتبط با آن منتشر نشده است! نمی‌شود که لیست بی‌شمار شده ابربدهکاران بانکی را منتشر کنید ولی یک جمله یا توضیح درباره این فساد بزرگ نگویید؟ نکنند این نوع شفافیت ناقص، برای پنهان کردن فسادهای بزرگ‌تر است! این گونه عمل کردن در خوشبینانه‌ترین حالت نوعی از سر باز کردن یا ادعای عمل به یک وعده است تا بار تعهد آن را از دوش بر زمین بگذارند و در نگاه بدبینانه با این هدف که به جای نشانی درست، آدرس غلط داده شود. نام‌ها مشکلی را حل نمی‌کند خاصه وقتی برخی بتوانند توجه‌هایی بیابند یا ادعا شود در مقابل داری و املاک هست و حق مردم ضایع نمی‌شود. پرسش اصلی درباره سازوکارهاست و اینکه چرا مثلاً سندی‌جای جای با اعضای قدیمی نمی‌تواند از کمک‌های قابل توجه برخوردار شود ولی مبالغ کلان در اختیار جای دیش قرار می‌گیرد؟ شفافیت، امری پسندیده است اما به تعبیر قرآن نمی‌توان نومن بعض و نکفر بعض بود. یعنی جاهلی ایمان داشت و جاهلی کافر بود. شفافیت باید همه‌گیر و فراگیر باشد. در این صورت فهرست اعلامی به‌عنوان بخشی از قاب کلی شفافیت اهمیت دارد و در غیر آن نه.



قهرمانان زیرخاکی قهرمانان واقعی

گفت‌وگو با امیر سرتیپ دوم غلامحسین دربندی سخنگوی سابق ارتش در سالگرد ترور شهید سپهد علی صیادشیرازی



روایت جنگ
۴-۵